

تأثیر توسعه فرهنگی بر توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

دکتر رضا پریزاد^۱ - امین جمشیدزاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۷

چکیده

توسعه به مثابه مقوله‌ای کاملاً ارزشی، دارای جریان پیچیده و چندبعدی است که یکی از ابعاد مهم آن، توسعه فرهنگی است. در تعریف کلی، توسعه فرهنگی به معنی گسترش امکانات فرهنگی برای همه افراد جامعه است. با توسعه فرهنگی، مشارکت افراد جامعه تا حد زیادی افزایش می‌یابد و در نتیجه زمینه شناسایی نیازهای جامعه نیز فراهم می‌شود. در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری با اسناد کتابخانه‌ای سعی شده است تا ضمن مرور کوتاهی بر مفاهیم فرهنگ، توسعه، توسعه فرهنگی، به این نکته پرداخته شود که توسعه فرهنگی با شاخص‌های جهانی چه تأثیری می‌تواند بر توسعه بگذارد؟ بدین منظور، از شاخص‌های توسعه فرهنگی بهره جستیم تا بدان واسطه، رابطه‌ی آن شاخص‌ها را با توسعه اقتصادی بررسی کنیم. در این بررسی، آنچه به دست آمد این نکته است که توسعه فرهنگی مرهون توجه به دو مقوله مادی و غیرمادی فرهنگ بوده که می‌تواند منجر به توسعه اقتصاد باشد. در همین راستا مقاله تلاش داشته است تا تأثیر توسعه فرهنگی را بر توسعه اقتصادی کشور ایران را نیز مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: ایران، توسعه، فرهنگ، توسعه فرهنگی، دیپلماسی فرهنگی

^۱ استادیار گروه سیاسی دانشگاه آزاد قم، ایران (نویسنده مسئول)

r_parizad@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکترا، گرایش مسائل ایران، واحد قم، ایران.

amin.jamshidzadeh56@gmail.com

فصلنامه دانش‌نامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۳، تابستان ۱۴۰۰، صص ۲۶-۱

مقدمه

در جهان امروز، رسیدن به توسعه همه‌جانبه و پایدار، دغدغه اصلی کشورها و دولت‌های آن‌هاست و در سطح جهانی به‌عنوان شرط بقای جامعه در تعامل با دیگر جوامع مطرح است؛ اما در این میان ابعاد و جنبه‌های مختلف توسعه و مراتب و مراحل توالی توسعه ذهن اندیشمندان و افکار عمومی را به خود مشغول کرده است. البته تا مدت‌های مدیدی، توسعه مقوله‌ای صرفاً اقتصادی تلقی می‌شد و کشورهای مختلف تنها از این جنبه به آن توجه می‌کردند و تصور غالب این بود که می‌توان به مدد الگوهای مختلف توسعه اقتصادی، رشد فناوری، انباشت ثروت و مواردی از این قبیل به توسعه دست یافت.

اما این وضعیت با شکست کشورهای که فقط معیارهای اقتصادی را در برنامه‌ریزی خود در دستیابی به توسعه گنجانده بودند تغییر یافت و موجب از دست رفتن مفهوم یک‌بعدی توسعه شد. با نگاهی به گذشته استنباط می‌شود که اعتقاد آنان به توسعه ساده‌اندیشی بوده و درک و شناخت آن‌ها از فرایند توسعه در نهایت خامی و سادگی بود. دیدگاه سنتی نسبت به توسعه، رویکرد ایدئولوژیکی، اروپامحورانه، اثبات‌گرایانه، یک‌سونگرانه و به‌ویژه اقتصادی محض به معنای دارای رشد اقتصادی داشته که در آن بر معیارهای کمی و رفتاری و آماری تأکید می‌شد؛ اما پس از طی سال‌ها، کارشناسان دریافته‌اند که تصور اجتناب‌ناپذیری ترقی کامل نبوده و محاسبات مربوط به اقتصاد به‌تنهایی، تلاش آنان را به مسیر غلطی کشانده است. به همین دلیل اندیشمندان حوزه‌های مختلف در پی دستیابی به راهی برای توسعه همه‌جانبه و تعیین اولویت‌های توسعه شدند؛ چراکه به‌راحتی نمی‌توانستند مشخص کنند که میان عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کدام یک نقش اساسی را در فرایند توسعه ایفا می‌کند. این که توسعه سیاسی چگونه می‌تواند زمینه‌ساز توسعه اقتصادی باشد یا توسعه فرهنگی مقدمه‌ای برای دستیابی به توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی گردد و پرسش‌هایی مشابه این‌ها مطرح و بحث و بررسی‌های فراوانی را موجب شد؛ با نگاهی اجمالی به پیامد و برآورد این مباحثه و تجارب کشورهایی که پس از جنگ

جهانی دوم توانستند جزو کشورهای پیشرفته محسوب شوند نشان داد که توسعه فرهنگی پیش نیاز دستیابی به توسعه‌ای همه‌جانبه است. هدف این مقاله نشان دادن اهمیت توسعه فرهنگ و توسعه فرهنگی برای توسعه همه‌جانبه و پایدار است؛ بنابراین ابتدا نگاهی به مفهوم فرهنگ داشته و تعریف خود از فرهنگ را ارائه می‌دهیم؛ آنگاه مفاهیم توسعه فرهنگ و توسعه فرهنگی مورد واکاوی و کنکاش قرار می‌گیرند. پس از آن به نقش فرهنگ در توسعه همه‌جانبه پرداخته خواهد شد. مقاله در نهایت الزامات توسعه فرهنگی را مورد بحث قرار داده و پیشنهادهایی نیز ارائه خواهد داد. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری شده با اسناد کتابخانه‌ای در صدد پاسخ به این سؤال است که توسعه‌ی فرهنگی با شاخص‌های جهانی چه تأثیری می‌تواند بر توسعه اقتصادی بگذارد؟ فرضیه پژوهش نیز این است که شاخص‌های توسعه‌ی فرهنگی و توجه به ظرفیت مادی و غیرمادی توسعه فرهنگی می‌تواند در داخل و در خارج از کشور در راستای توسعه اقتصادی مؤثر واقع شود.

تعریف مفاهیم

الف - توسعه

واژه توسعه^۱ در سال‌های اخیر در جامعه ما، تبدیل به یکی از اصطلاحات مناقشه‌انگیز شده است و به‌رغم کاربرد بسیار گسترده این واژه در سطح جامعه، هنوز پیرامون معانی و مصادیق آن، اجماع نظر چندانی حاصل نشده است و هرکسی به بعدی از ابعاد آن اشاره دارد. اما برای رسیدن به تعریفی جامع از مفهوم توسعه باید سه نکته اساسی را مدنظر قرار دهیم: «اولاً، توسعه را مقوله ارزشی تلقی کنیم، ثانیاً آن را جریانی چندبعدی و پیچیده بدانیم و ثالثاً، به ارتباط و نزدیکی آن با مفهوم بهبود^۲ توجه داشته باشیم» (از کیا و غفاری، ۱۳۸۷: ۲۴). اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی تعاریف متعددی را از مفهوم توسعه ارائه کرده‌اند

^۱ Development

^۲ Improvement

که در زیر به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

مایکل تودارو^۱ معتقد است که توسعه را باید جریانی چندبعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد (تودارو، ۱۳۶۶: ۱۳۵).

پیتر دونالدسن^۲ در تعریف توسعه می‌گوید که توسعه به وجود آوردن تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، گرایش‌ها و نهادها برای تحقق کمال هدف‌های جامعه است و در این استحاله مهم اگر توده مردم درگیر باشند ممکن است میوه رشد فوراً نصیب آن‌ها نشود؛ زیرا که فرآیند توسعه اغلب فرآیند رنج‌آور و دشواری است تا همه مردم با آگاهی همگانی از تغییرات و نیاز مطابقت با آن در امر توسعه مشارکت اصیل نداشته باشند ادامه توسعه ممکن نخواهد بود (دینی، ۱۳۹۰: ۸۵). در مواردی هم توسعه به‌عنوان نوعی حرکت تاریخی و گذر از یک مرحله تاریخی به مرحله‌ای دیگر تعریف شده است. در این بین توسعه عبارت است از حرکت جامعه از یک مرحله تاریخی و توفیق آن در ورود همه‌جانبه به مرحله‌ای دیگر از تاریخ. به‌عبارتی دیگر توسعه به مفهوم علمی آن عبارت است از مرگ تدریجی نظام کهن و تولد و رشد تدریجی نظام تازه از زندگی که این نظام جدید خود مرحله و شرایط تاریخی تازه‌ای برای جامعه خواهد بود (عظیمی، ۱۳۹۱: ۲۷). به‌طور کلی توسعه نوعی فرآیند مشارکت مردمی عام‌گراست؛ که در جهت به حداکثر رساندن انرژی مهارشده به‌منظور پاسخگویی به نیازهای جسمانی، روانی و اجتماعی مردم و برای رشد

^۱ Michael Todaro

^۲ Peter Donaldson

شکوفایی استعداد‌های آنان، در جامعه سازمان‌دهی می‌شود (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۴۱).

ب- فرهنگ

در زبان فارسی فرهنگ کلمه‌ای است که در قدیم و در زبان اوستایی از دو جزء «فر» و «هنگ» ترکیب یافته است. «فر» به معنی پیشاوند است و «هنگ» از ریشه اوستایی «ثنک» به معنی کشیدن می‌باشد. فرهختن و فرهنگ هر دو مطابق ریشه ادوکا و ادور در لاتین به معنی کشیدن و نیز به معنی تعلیم و تربیت است. فرهنگ یا فرهنگ همان علم، دانش و ادب است (Helamy, 2018: 227): اما مفهوم فرهنگ به جهت گستردگی و پیچیدگی خاص دارای تعاریف گوناگونی است. از دیدگاه ادوراد بارنت تایلر^۱ مردم‌شناس بزرگ انگلیسی فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل مجموعه علوم و دانش‌ها، اعتقادات، هنرها، افکار و عقاید، صنایع، تکنیک، قوانین و مقررات، سخن، عادات و رسوم و رفتار و ضوابطی است که انسان به‌عنوان عضو یک جامعه آن را از جامعه خود فرامی‌گیرد و در قبال آن تعهداتی به عهده دارد (نیومان^۲، ۲۰۱۳: ۱۴۷).

فرهنگ از نگاه گیرتز سلسله مراتبی از ساختارهای معانی است که شامل اعمال، نمادها و علامت‌های ناشی از حرکات، پلک زدن‌های عادی و مصنوعی، ادا درآوردن‌ها، اظهار کردن، بیان داشتن، مکالمه کردن و تک‌گویی می‌شود (سلیمی، ۱۳۸۹: ۴۱). به بیان واضح‌تر فرهنگ الگویی از معانی است که در اشکال نمادین متبلور شده و شامل اعمال، بیانات و واقعیاتی معنا دار است که در اثر ارتباط افراد با یکدیگر به وجود می‌آیند، بنابراین افراد در تجربیات، مفاهیم و باورهای یکدیگر مشارکت می‌جویند (Rosentein, 2019) اما آنتونی گیدنز با رویکردی جامعه‌شناختی، فرهنگ را مجموعه‌ای از ارزش‌هایی که اعضای یک گروه معین دارند تعریف کرده و به نظر او ارزش‌ها، آرمان‌هایی انتزاعی هستند و هنجارها، اصول و قواعدی هستند که از مردم انتظار می‌رود آن‌ها را رعایت کنند.

^۱ Edward B. Tylor

^۲ Naumann

هنجارها نشان‌دهنده «بایدها» و «نبایدها» در زندگی اجتماعی هستند (گیدنز، ۱۳۹۴: ۵۵-۵۶). همچنین فرهنگ را بر پایه الگوهای رفتار و فنون مؤثر در ساخت مصنوعات بشری تعریف کرده‌اند که عبارت است از نظام مشترکی از باورها، ارزش‌ها، رسم‌ها، رفتارها و مصنوعات که اعضای یک جامعه در تطبیق با جهان‌شان و در رابطه با یکدیگر به کار می‌برند و از راه آموزش از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند (رنجبر و ستوده، ۱۳۹۰: ۴۷). در مجموع می‌توان گفت که فرهنگ مجموعه‌ای از سنن، عادات، آداب، مقررات، اخلاقیات، ارزش‌ها، عقاید و باورهایی است که انسان به‌عنوان یک عنصر در جامعه آن را کسب می‌کند و به دودسته کلی مادی و غیرمادی تقسیم می‌شود.

پس از بررسی دیدگاه‌های مختلف در باب تعریف فرهنگ به تبیین ویژگی‌ها و شاخص‌های کلی فرهنگ می‌پردازیم. عام و خاص بودن، اجباری و اختیاری بودن، ثابت و متغیر بودن، متعالی و پست بودن، آموختنی بودن، همگانی و فردی بودن، ذهنی و عینی بودن، از جمله اصلی‌ترین ویژگی‌ها و شاخص‌های فرهنگ محسوب می‌شوند که در این مقاله به بررسی تفصیلی سه مورد از این ویژگی‌ها می‌پردازیم.

۱- فرهنگ در عین حال که اجباری است؛ اختیاری نیز هست.

فرهنگ تمام جنبه‌های زندگی انسان را در برمی‌گیرد و انسان از آغاز تولد از طریق خانواده، جامعه و نهادهای اجتماعی ارزش‌ها و هنجارهای آن را می‌آموزد و بدین ترتیب فرهیخته و با جامعه هم‌نوا و سازگار می‌شود؛ زیرا فرد برای آنکه بتواند در جامعه زندگی کند ناچار به یادگیری آن است. از زبان، دین و مذهب گرفته تا شیوه غذا خوردن، لباس پوشیدن، آداب و رسوم و سنن و خلاصه کلیه اعمال و افکاری که مورد قبول جامعه، طایفه، قشر، طبقه اجتماعی و بالاخره شهر محل نشو‌نماست؛ بنابراین فراگیری فرهنگ اجباری و با فشار همراه است؛ اما چون یادگیری فرهنگ به تدریج و به‌مرور زمان انجام می‌گیرد. برای فرد غیرقابل تحمل نیست و فشار آن را در واقع احساس نمی‌کند و به میل خود به آن‌ها تن در می‌دهد، می‌پذیرد و به مرحله اجرا درمی‌آورد (قرایی مقدم، ۱۳۹۲: ۶۴). به قول

استوتزل «فرهنگ پذیری» نه آن طور که دورکیم تصور می کرد تنها تحمل فشارهای فلج کننده است و نه تقلید بی هدف چنانکه گابریل تارد می پنداشت. بلکه این امر عبارت است از سازگاری اجتماعی کاملاً انگیزه دار است (استوتزل، ۲۰۱۸: ۷۰). اما این واقعیت را نمی توان نادیده گرفت که فرد در برابر «اجبار»، «اختیار» هم دارد بدین جهت است که فرهنگ «اجباری» و «اختیاری» است.

۲- فرهنگ آموختنی است

بهترین وسیله آموختن فرهنگ خانواده، گروه های همبازی و همسالان، همسایگان، مدرسه، کتاب ها، روزنامه، رادیو، تلویزیون، سینما و غیره است و کلید ارتباط آن زبان است (قرایی مقدم، ۱۳۹۲: ۵۶). اگرچه فرهنگ از طریق یادگیری حاصل می شود و ذاتی نیست. به همین جهت تغییر در یادگیری و جانشین ساختن آن ها با امور دیگری از راه دیگری قابل حصول هستند، امری ممکن و مقدور است؛ بنابراین اگر در رابطه موجود بین دو متغیر فرهنگ جامعه و اعمال و رفتار مردم تغییری صورت می گیرد؛ اعمال و رفتار مردم نیز می تواند تغییر یابد (Streeten, 2019: 57). افزون بر این، انسان ها بر پایه یادگیری فرهنگی، مفاهیمی را می آفرینند، به یاد می آورند و به کارشان می برند. آن ها نظام های خاصی از معنای نمادین را جذب می کنند و به کار می برند و از طریق فراگرد یادگیری آگاهانه و ناآگاهانه و هم کنش با دیگران، به درون ذهنی کردن یک سنت فرهنگی از این طریق انجام می دهند. یادگیری فرهنگی تنها در میان انسان ها رواج دارد و همه انسان ها فرهنگ دارند (کاتک، ۲۰۱۷: ۳۶۶-۳۶۷).

۳- فرهنگ در عین حال که متغیر است؛ ثابت هم هست

تمام پدیده های اجتماعی بنا بر مقتضیات زمان در حال تغییر و تحول است و ثبات به مفهوم فیزیکی کلمه، در هیچ یک از جنبه های فرهنگی یافت نمی شود. از لباس و پوشاک و شیوه همسرگزینی تا امور اقتصادی، آموزش و پرورش، آداب و رسوم و ارزش ها و هنجارها و ... که همواره در معرض تغییر و دگرگونی قرار دارند. اما این تغییرات به قدری کند و در

درازمدت صورت می‌گیرد که محسوس نیستند و تقریباً ثابت به نظر می‌رسند. وقتی به این تغییرات پی می‌بریم که مثلاً فرهنگ فعلی را با گذشته مقایسه کنیم و مثلاً در یک مقطع زمانی سی تا چهل ساله و بیشتر مورد مطالعه قرار گیرد. در آن صورت در خواهیم یافت که لباس، خوراک، آداب و رسوم، زبان و ... تا چه اندازه تغییر کرده است (قرایی مقدم، ۱۳۹۲: ۶۴).

مفهوم توسعه فرهنگی

توسعه فرهنگی^۱ را افزایش قدرت و کارآمدی یک فرهنگ در پاسخگویی به نیازهای فرهنگی، معنوی و مادی جامعه گفته‌اند (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۷۵). در تعریف دیگری نیز گفته شده است که «منظور از توسعه فرهنگی دگرگونی است که از طریق تراکم برگشت‌ناپذیر عناصر فرهنگی (تمدن) در یک جامعه معین صورت می‌گیرد و بر اثر آن، جامعه کنترل مؤثری را بر محیط طبیعی و اجتماعی اعمال می‌کند. در این تراکم برگشت‌ناپذیر، معارف، فنون، دانش و تکنیک به عناصری که از پیش وجود داشته و از آن مشتق شده، افزوده می‌شود» (توسلی، ۱۳۹۲: ۴۳۸). این مفهوم از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد از طرف یونسکو به عنوان یک سازمان فرهنگی، در مباحث توسعه مطرح شده و از مفاهیمی است که نسبت به سایر بخش‌های توسعه چون توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه سیاسی از ابعاد و بار ارزشی بیشتری برخوردار است و تأکید بیشتری بر نیازهای غیرمادی افراد جامعه دارد؛ بنابراین فرآیندی است که در طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی و ارزشی و گرایشی انسان‌ها، قابلیت‌ها و باورها شخصیت ویژه‌ای را در آن‌ها به وجود می‌آورد که حاصل این باورها و قابلیت‌ها، رفتارها و کنش‌های خاصی است که مناسب توسعه است. به عبارتی حاصل فرآیند توسعه فرهنگی کنار گذاشتن خرده‌فرهنگ‌های نامناسب توسعه‌ای است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۷: ۴۸). اهمیت توسعه فرهنگی در دنیای کنونی موجب شده است تا یونسکو دهه ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۷ میلادی را دهه

^۱ Cultural development

توسعه فرهنگی و روز ۲۱ می (اول خرداد) را روز جهانی توسعه فرهنگی نام گذاری کند. مطابق تعریف یونسکو، توسعه فرهنگی دربردارنده هنرهای نمایشی، هنرهای تجسمی، فعالیت‌های اجتماعی- فرهنگی، سینما، عکاسی، رادیو و تلویزیون، میراث فرهنگی، مطالب چاپی و ادبیات، موسیقی، ورزش‌ها، بازی‌ها، طبیعت و محیط‌زیست است. توسعه فرهنگی را که یکی از ابعاد مهم توسعه محسوب می‌شود؛ می‌توان در هشت حوزه زیر خلاصه نمود:

- ۱- دسترسی به فرهنگ؛ ۲- آموزش و پرورش فرهنگی و هنری؛ ۳- مبحث ارتقای خلاقیت و نوآوری؛ ۴- تشویق فرهنگ، عامه و فرهنگ سنتی؛ ۵- مقوله تقویت هویت فرهنگی؛ ۶- ارتقای مبادلات فرهنگی؛ ۷- حفظ میراث فرهنگی؛ ۸- توسعه نگرش‌های قطعی در باب فرهنگ (جوناس^۱، ۲۰۱۵).

نکته‌ای که در بحث از فضای مفهومی توسعه فرهنگی اهمیت بالایی دارد این است که در مواردی توسعه فرهنگی را با فراموش کردن و بریدن و گسستن با سنت‌های گذشته یکسان می‌انگارند. درحالی‌که به تعبیری «توسعه فرهنگی به معنای گسستن از سنت‌های گذشته نیست، زیرا سنت‌ها انباشت و ذخیره تجارت گذشته یک جامعه است». توسعه بر مبنای گسترش سنت‌ها و تجارب گذشته انجام می‌گیرد و نه بر اساس نفی آن‌ها. توسعه فراگردی است که در آن سنت‌ها و تجارب گذشته از نو و بر اساس نیازها و شرایط تازه بازاندیشی و بازسازی می‌شوند و از این طریق جامعه خود را بارور می‌کند و توانایی‌های بالقوه انسان‌ها شکوفا می‌شود. از این جهت مفهوم هویت فرهنگی از مفهوم توسعه جدا نیست (اسدی، ۱۳۹۰: ۷).

¹ Junus

شاخص‌های فرهنگی

یونسکو در سال ۱۹۹۸ به‌طور منسجم، با تهیه‌ی اولین گزارش جهانی فرهنگ، به ارائه‌ی شاخص‌های فرهنگی کشورهای جهان، همراه با داده‌های مربوط به آن پرداخت و بسیاری از تحقیقات و گزارش‌هایی که به بررسی شاخص‌های فرهنگی در ایران پرداخته‌اند نیز شاخص‌های فرهنگی یونسکو (گزارش جهانی فرهنگ) را به‌عنوان یک مرجع پایه در این رابطه در نظر گرفته‌اند و در آن‌ها ارجاعاتی یکسان و تکراری به شاخص‌های فرهنگی یونسکو یافت می‌شود. در این گزارش حدود ۱۲۵ شاخص معرفی شده که طبقات اصلی شاخص‌های ارائه‌شده‌ی آن به شرح زیر است (بیک محمدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴).

شاخص‌های آزادی فرهنگی: حقوق گروهی، نظیر حقوق زبانی اقلیت‌ها و حقوق فردی، نظیر آزادی بیان، اولین مجموعه از این شاخص‌هاست. برای معرفی این حقوق، از شاخص‌های کیفی استفاده می‌شود. مهم‌ترین شاخص‌های آزادی فرهنگی عبارت‌اند از: امنیت شخصی، نبود تبعیض، آزادی اندیشه و بیان، حق تعیین سرنوشت خود.

شاخص‌های خلاقیت: به‌طور کلی، مهم‌ترین شاخص‌های خلاقیت عبارت‌اند از: هزینه‌های فرآورده‌های فرهنگی و فعالیت‌های فرهنگی، میزان خلق فرآورده‌های جدید، تعداد افرادی که به‌طور مستقیم به فعالیت خلاق می‌پردازند.

شاخص‌های گفت‌وگوی فرهنگی: مهم‌ترین شاخص‌های گفت‌وگوی فرهنگی عبارت‌اند از: سواد و دستاوردهای آموزشی؛ ابزار ارتباطات مانند روزنامه، تلفن، رسانه‌ها، امکانات پستی، دور نویس، اینترنت؛ و تنوع گفت‌وگو.

شاخص‌های عملکردهای فکری و زیبایی‌شناسی که شامل انواع شاخص‌های ذیل است: شاخص آموزش؛ شاخص پژوهش؛ شاخص انتشار کتاب‌ها، روزنامه‌ها و مجلات جدید؛ شاخص تولید نقاشی، موسیقی، تئاتر، تهیه‌ی فیلم و برنامه‌های تلویزیونی؛ شاخص مصرف کتاب، مجله و روزنامه؛ شاخص مصرف تولیدات موسیقی، تئاتر، فیلم، برنامه‌های تلویزیونی، نوارهای ویدیویی، موزه‌ها و مانند آن.

شاخص‌های فعالیت اجتماعی و سیاسی. هرچند شاخص‌های فعالیت اجتماعی و سیاسی بی‌شماری وجود دارد، اما گزینش تعدادی از شاخص‌های کلیدی که معرف برخی فعالیت‌های پایه باشند منطقی‌تر است. سه زمینه را می‌توان در این مورد انتخاب کرد: خشونت، تبعیض، شاخص آزادی سیاسی به‌خصوص آزادی اندیشه و بیان و آزادی فعالیت‌های سیاسی (یونسکو، ۱۹۹۸).

تأثیر توسعه فرهنگی بر جوامع

امروزه فرهنگ در کنار ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به‌عنوان بعد چهارم توسعه پایدار و حتی بعد مرکزی توسعه پایدار مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. طبق اظهار یونسکو فرهنگ در سطح جهان به‌عنوان یک توانمند ساز و کمک‌کننده به توسعه پایدار محسوب می‌شود. مبنای توسعه حقیقی و پایدار توسعه فرهنگی است و به‌مثابه ریشه‌ای که درخت را تغذیه می‌کند؛ سایر ابعاد توسعه (سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) نیز از این بعد مهم تغذیه می‌شوند (قرایی مقدم، ۱۳۹۲: ۶۸). ضروری بودن وجود تنوع فرهنگی برای توسعه پایدار به دو دلیل است. نخستین دلیل بقای انسان به‌عنوان وسیله وجود فرهنگی است. همزیستی فرهنگ‌های مختلف باعث می‌شود انسان‌ها بهتر قادر به وفق دادن خود با محیط شوند. همچنین برای اینکه فرهنگ خلاقیت و حیات خویش را حفظ کند وجود فرهنگ‌های دیگر ضروری است. ایده‌های جدید از دیگر فرهنگ‌ها متولد می‌شوند و منشأ خلاقیت فرهنگی در برخورد مداوم بین فرهنگ‌های متفاوت قرار دارد. همچنین به‌منظور تحقق بخشیدن مبادلات میان فرهنگی و بهسازی به‌عنوان پیش‌نیاز تنوع فرهنگی باید وجود داشته باشد. دلیل دوم تضمین امنیت و حفاظت از حقوق انسانی اقلیت‌هاست. فقدان درک متقابل میان کشورها به جنگ، درگیری و تروریسم منجر شده است. برای ایجاد صلح لازم است درک و تحمل متقابل بین فرهنگ‌ها وجود داشته باشد. اگر مردم تنوع فرهنگی را قبول و فرهنگ‌های دیگر را درک کنند این امر به جلوگیری از درگیری و ایجاد صلح کمک می‌کند. از سوی دیگر در یک کشور مردمی متعلق به فرهنگ‌هایی مانند مردم بومی

نژادهای اقلیت و مهاجران وجود دارد. پذیرش فرهنگ‌های مختلف پذیرش راه زندگی، ارزش‌ها و زبان این مردم است (صالحی امیری، ۱۳۹۶: ۴۱).

الگوهای جهانی توسعه و شاخص‌های توسعه‌ی فرهنگی در عصر جهانی شدن باعث می‌شود که بین مفهوم توسعه‌ی فرهنگی و جهانی شدن هماهنگی و رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد. هرچند در شاخص‌های فرهنگی یونسکو، به تکیه بر فرهنگ ملی و تقویت باورهای فرهنگی جامعه تأکید شده است، اما مؤلفه‌های کمی چون برخورداری از سینما، تکنولوژی، موسیقی، توریسم و... خواه‌ناخواه فرهنگ ملی را به سمت جامعه‌ی جهانی سوق می‌دهد (وثوقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۴). به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد کشورهای جهان اول، برای تنظیم شاخص‌های توسعه‌ی فرهنگی، به نوعی سیاست دوگانه مبادرت ورزیده‌اند؛ از سویی بر فرهنگ ملی و عناصر بومی فرهنگ هر جامعه تأکید دارند و از سوی دیگر، با تدوین شاخص‌هایی چون میزان سینماها، کشورهای جهان‌سومی را در مسیر پذیرش یا تأثیرپذیری از فرهنگ جهانی تشویق و ترغیب می‌نمایند. دوم، نوع تعریف توسعه‌ی فرهنگی به تلقی از فرهنگ، عاملیت انسان و تعریف ایده‌آل‌های جامعه‌ی انسانی بستگی دارد. بر این اساس، در هر فرهنگی، این سه مؤلفه به گونه‌ای تعریف شده که ممکن است با تعریف آن‌ها در فرهنگ دیگر، تفاوت داشته باشد (عظیمی، ۱۳۹۱: ۵۵). پرسش اصلی اینجاست که اگر نهادهای بین‌المللی چون یونسکو با گونه‌ای از تلقی دست به تدوین چنین شاخص‌هایی زده باشند و این تلقی با تلقی جامعه‌ای تفاوت داشته باشد، آیا می‌توان از تبادل فرهنگی بین دو جامعه سخن گفت یا اینکه تن ندادن یک فرهنگ بومی به چنین شاخص‌هایی منجر به انزوای بیشتر آن از سمت جامعه‌ی جهانی می‌شود و نیز قدرت فرهنگ آن جامعه را در عرصه‌ی بین‌المللی کاهش می‌دهد. سوم، تغییرپذیری و پویایی، ویژگی جدایی‌ناپذیر هر فرهنگ است. هر فرهنگ همان‌طوری که به ایستایی نیاز دارد، محتاج پویایی است و باید بتواند بین این دو تعادل برقرار سازد؛ چه اینکه ایستایی زیاد در یک فرهنگ منجر به کهنه‌پرستی و گذشته‌گرایی و نیز عدم ارتباط با فرهنگ‌های دیگر می‌شود و پویایی افراطی

نیز وفاق ارزشی اعضای یک جامعه را زیر سؤال می‌برد. از جانب دیگر، وقتی از توسعه سخن به میان می‌آید، بر تغییر تأکید می‌شود. «تأکید توسعه بر کنش آگاهانه برای تغییرات مطلوب در جامعه است.» (هولم و ترنر، ۱۹۹۰، به نقل از عیوضی) در این بین، آنچه به مسئله‌ی توسعه همه‌جانبه مربوط می‌گردد این است که یک فرهنگ برای همسو شدن با تغییرات ناشی از توسعه‌ی فرهنگی تا چه حد بایستی پویا و تا چه حد باید ایستا باشد. در تمامی تعاریفی که از توسعه‌ی فرهنگی ذکر شد، تکیه بر فرهنگ بومی و ملی مشترک است. در واقع توسعه‌ی فرهنگی و شاخص‌های آن در پاسخ به بی‌توجهی به شرایط فرهنگی جهان سوم و پیاده کردن نسخه‌ی غربی و یکسان توسعه در این جوامع است؛ با وجود این، به نظر می‌رسد در تدوین چنین شاخص‌هایی نوع تلقی از فرهنگ، انسان و جامعه‌ی آرمانی او که بایستی با توسعه به آن رسید، دخیل است؛ اینکه انسان را محدود و محصور در جهان فرهنگی بدانیم یا برای آن غایتی غیر از این جهان در نظر آوریم یا فرهنگ را غایت‌گرا بدانیم یا نه و یا جامعه‌ی آرمانی بر چه اساسی استوار باشد (بیک محمدی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۴). برای روشن‌تر شدن بحث، هر کدام از شاخص‌های پنج‌گانه را در ارتباط با ابعاد توسعه بررسی خواهیم کرد:

۱- شاخص آزادی فرهنگی با مؤلفه‌های آن ریشه در پلورالیسم فرهنگی دارد. اینکه آزادی با چه بنیان اندیشه‌ای در تدوین این شاخص اثر داشته نکته‌ی مهمی است. این اندیشه گرچه امروز در فضای جهانی به یک اصل مسلم بدل شده است، اما در مقایسه با ارزش‌های دینی ملی ایران به گونه‌ای دیگر می‌توان آن را طرح نمود. برای مثال در ادبیات اسلامی جایی برای عرض اندام گروه هم‌جنس‌بازان وجود ندارد (عظیمی، ۱۳۹۱: ۴۹)؛ بنابراین آنچه مهم است تطابق آزادی با سیستم ارزشی یک جامعه به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعه است. باید گفت در این راستا، شاخص خلاقیت به پویایی یک فرهنگ و سازگاری بیشتر آن با تغییرات محیطی اشاره دارد و به‌درستی این شاخص می‌تواند به چگونگی کارکرد نظام فرهنگی کمک نماید. البته همه‌ی فرهنگ‌ها از خلاقیت متناسب با زمینه‌ی اجتماعی و

محیطی خود به نحوی برخوردارند، اما در این مؤلفه نیز تعریف کار فرهنگی و فعالیت فرهنگی متناسب با فرهنگ هر جامعه متغیر است. این شاخص، می‌تواند قدرت فرهنگ را هم در بُعد داخلی و هم در بُعد خارجی افزایش دهد. در بُعد داخلی هم موجب افزایش انطباق نظام فرهنگی می‌شود و هم از آن جهت که خلاقیت می‌تواند نوع، شیوه و تنوع پاسخ‌گویی یک فرهنگ را به نیازهای افراد جامعه بالا برد، منجر به حسن ایفای کارکردهای نظام فرهنگی می‌گردد. در بُعد خارجی نیز می‌تواند به چگونگی ترویج ارزش‌های ملی در سطح جهانی و شیوه‌های مختلف ارائه‌ی تصویر مطلوب از فرهنگ ملی مدد رساند (Mccann, 2019: 145).

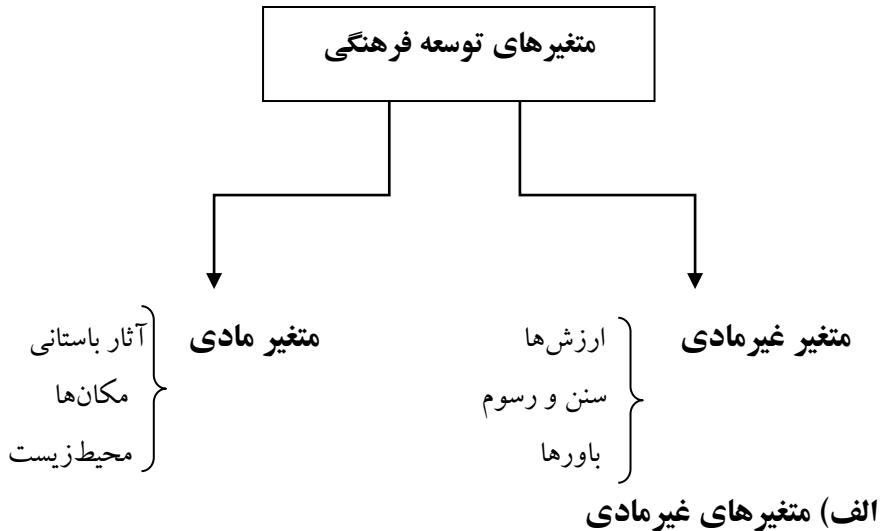
۲- شاخص گفت‌وگوی فرهنگی نیز همانند شاخص اول، از طرفی هم می‌تواند قدرت فرهنگی را افزایش دهد و از طرف دیگر، می‌تواند موجبات کاهش این قدرت را فراهم سازد. زیرمؤلفه‌هایی چون آموزش، پژوهش، میزان مطالعه‌ی کتاب، انتشار کتاب و نشریات، تئاتر، سینما، موسیقی، تلفن و اینترنت با افزایش سطح آگاهی افراد جامعه می‌تواند به انطباق‌پذیری بیشتر نظام فرهنگی یاری رساند. با وجود اینکه اساس توسعه‌ی فرهنگی بر اتکای به فرهنگ بومی و محلی است، اما به عقیده برخی فرهنگ جهانی با مطلوب سازی‌ها و نیاز سازی‌ها از درون نظام‌های فرهنگی، جوامع را به تغییر در راستای خود مجبور می‌سازد (Helamy, 2018: 89).

۳- شاخص فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی بیش از دیگر شاخص‌ها متأثر از نوع نگاه، موضع ایدئولوژیک و ارزش‌های نهفته در تدوین آن‌ها است. زیر مؤلفه‌های خشونت، تبعیض و آزادی سیاسی در این معنا بسیار نسبی‌اند. به‌طور کلی پذیرفتن این نکته که فرهنگ‌های مختلف گرچه دارای پیشینه‌های فرهنگی متفاوتی هستند ولی چون خواستار درک جهان متکثر و دستیابی به نوعی سازگاری و همکاری هستند، از پیشینه‌ها، اعتقادات و سبک‌های متفاوت زندگی به‌عنوان فرصتی برای هم‌افزایی با چشم‌اندازی به آینده‌ای سعادتمند استفاده می‌کنند، موجب می‌شود که هر فرهنگ با توجه به برخورداری از توان تأثیرگذاری و

تأثیرپذیری بتواند در فرآیند تعامل هم افزایشدهنده با سایر فرهنگها در تحقق توسعه اجتماعی مساهمت و مشارکت سازنده و فعال داشته باشد.

بررسی عوامل فرهنگی عقب برنده و پیش برنده جامعه

اکثر اقتصاددانان بر تشکیل سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی به عنوان عامل اصلی افزایش دهنده تولید ناخالص داخلی تأکید دارند؛ اما یافته‌های جدید در زمینه اقتصاد فرهنگ، تأکید می‌کند که سرمایه‌گذاری در فرهنگ می‌تواند یکی دیگر از عوامل مؤثر بر افزایش تولید ناخالص داخلی باشد. سرمایه فرهنگی نشان‌دهنده پیوند حوزه اقتصاد و فرهنگ است. منظور از سرمایه فرهنگی، ذخیره‌ای از ابزارهای فرهنگی ملموس و ناملموس شامل ساختمان‌ها، ساختارها، مکان‌ها و موقعیت‌هایی با بار معنایی فرهنگی، آثار هنری و صنایع دستی و مجموعه‌ای از ایده‌ها، اعمال، باورها، سنت‌ها و ارزش‌ها است (صادقی و همکاران، ۲۵۲:۱۳۹۶). این متغیرها در دو سطح که شامل متغیر ایده و فکر، متغیر دین (مذهب)، متغیر رسوم به عنوان ابزارهای غیرمادی و متغیر آثار و میراث فرهنگی به عنوان ابزار مادی است.



متغیر ایده و تفکر:

این متغیر بیانگر آن است که نوع تفکر حاکم بر جامعه به‌عنوان یک عامل شناسا برای عامل فرهنگ می‌تواند بر توسعه اقتصادی تأثیر مثبت یا منفی بگذارد. در ادامه جدول این متغیر به‌عنوان عقب‌برنده یا پیش‌برنده آمده است:

<u>متغیرها و ارزشهای فرهنگی پیش‌برنده</u>	<u>متغیرها و ارزشهای فرهنگی عقب‌برنده</u>
۱- پویایی فکری و عقلی	۱- جمود فکری و عقلی
- عقل‌گرایی و فردگرایی	- قشری‌گری
- رونق تفکر، تفکر باز	- رکود تفکر و تفکر بسته
- جهانگرایی	- اعتقاد به سحر و جادو و اشاعه جهل
- آینده‌نگری	- اعتقاد به تغییرناپذیر بودن سنن جامعه
- افزایش توان در قدرت پیش‌بینی و دوراندیشی	- بی‌تفاوتی
- آگاهی بیشتر مردم	- بحث و جدلهای بیهوده
- رشد ظرفیتهای علمی و فنی جامعه	- توقف مباحث علمی
- تحقیق باز و مناسب شرایط زمانی و مکانی	- مشغولیات ذهنی غیر علمی بین مردم و حکام
- توان اشاعه فرهنگ جدید	- رواج بحثهای کلامی مجرد از زمان و مکانی
- انسانگرایی معقول	- نقل به جای تفکر و علم و عقل
- انسانگرایی و آرمانخواهی در ادبیات، هنر، موسیقی	- مخالفت مطلق با فرهنگ بیگانه
- وجود قشر روشنفکر متعهد	- تحقیق مضبوط و بسته
- باز بودن باب خرد و حکمت	- فاصله‌گرایی علم و هنر از مردم
- آزاد شدن ذهنها از حصار	

منبع: (قمری، ۱۳۷۹: ۱۳۲)

متغیر دینی و مذهبی

متغیر دین به عنوان یک عامل بسیار مهم فرهنگی تلقی می‌گردد. در این راستا تأثیر متغیرهای مربوط به آن بدین شرح است:

متغیرها و ارزشهای فرهنگی پیش برنده	متغیرها و ارزشهای فرهنگی عقب برنده
۲- پویایی مذهب	۲- ایستایی مذهب
- جهان بینی باز	- جهان بینی بسته
- مذهب آگاهی بخش	- جهانی انحرافی
- اصلاح استنباطات مذهبی و به روز کردن آن	- جهان بینی التقاطی
- مذهب تحکیم بخش اخلاق خانوادگی	- مدح آخرت
- مذهب تحکیم بخش اخلاق اجتماعی	- مذمت دنیا و ترویج قناعت به داشته‌ها
- مذهب تحکیم بخش اخلاق فردی	- تسلیم بودن به سرنوشت اجتماعی خود
- مذهب مشوق کار و تلاش	- مذهب در مقابل علم و ضدیت با آن
- مذهب مشوق دنیا و آخرت توأم با یکدیگر	- مذهب علیه نوآوری
- مذهب در کنار علم و دانش	- مذهب در کنار جادو و سحر
- تفاهم بین مذاهب یک جامعه	- محدود شدن مذهب به فشریات و احکام عبادی صرف
- مطلوب دانستن ثروت از نظر ثروت	- مذهب و توجیه ابدی دادن فقر
- مذهب مشوق مردم برای کسب و تحقیق	- تحمیلی بودن مذهب
علیم و دانش و فنون	- کشمکش و جدال دینی بین مردم

منبع: (قمری، ۱۳۷۹: ۱۳۳)

متغیر رسوم

رویکردی که در جامعه‌شناسی به عنوان نظریه نوسازی مطرح می‌شود که در آن سنت و مدرنیته به صورت دو گونه رفتاری درک می‌شوند. در این رویکرد اهم تلاش برای فرآیند توسعه هدایت کردن درست فرآیند و همراه ساختن تغییرات تا حوزه اقتصادی است. در کل می‌توان عوامل پیش برنده و بازدارنده ناشی از متغیر رسوم را چنین بیان کرد:

<u>متغیرها و ارزشهای فرهنگی پیش‌برنده</u>	<u>متغیرها و ارزشهای فرهنگی عقب‌برنده</u>
۳- رسوم و سنن آگاهی بخش	۳- رسوم و سنن بسته
- حس میهن‌پرستی	- تعصبات غیر منطقی
- صلح‌خواهی و آرامش‌طلبی	- عدم دلبستگی به دانش
- بهادادن به اوقات فراغت مناسب و جهت‌دار	- انحطاط و کنترل هنر، شعر، موسیقی و...
- درستکاری و تلاش فردی	- رفتارهای دیکتاتوری و استبدادی فردی
- درستکاری و تلاش خانوادگی	- رفتارهای دیکتاتوری و استبداد خانوادگی
- درستکاری و تلاش اجتماعی	- رفتارهای دیکتاتوری و استبداد جمعی
- خط و زیان واحد در جامعه	- وجود زبانها و خط مختلف در جامعه
- تعصب آگاهانه توأم با خرد	- فرهنگ طبقاتی و اشرافی
- دلبستگی به دانستن	- فرهنگ تزویر و ریا، تملق، دروغ‌گویی،
- تعادل در فرهنگ عمومی	اختلاس و دزدی
- روحیه وحدت‌خواهی	- اعتماد به نفس نداشتن
- حیات‌معنوی و شوق مشترک داشتن	- لجام‌گسیختگی و بی‌قیدی، بی‌بند و
- شهامت‌طلبی مردم	باری، فسق و فجور
- قناعت رشد‌یابنده	- ساده‌لوح بودن مردم
- مردانگی و جوانمردی	- روحیه تفرقه و تفرقه‌جویی در جامعه

منبع: (قمری، ۱۳۷۹: ۱۳۴)

ب) متغیر مادی

حفاظت از میراث فرهنگی، طبیعی و محیط‌زیست برای تداوم بقای انسان به قدری حائز اهمیت است که یونسکو تمامی کشورهای جهان را بر آن داشته است که روش‌های نوینی را برای حفظ و حراست آن‌ها به کارگیرند. بدون تردید عامل توسعه فرهنگی نیز می‌تواند از میراث طبیعی و فرهنگی محافظت کند و در این ارتباط، محیط نیز خود سبب گسترش ارزش‌های فرهنگی می‌شود که این امر یکی از مهم‌ترین اهداف توسعه پایدار است، زیرا زمانی که افراد یک جامعه فرهنگ خود را غنی می‌سازند نسبت به لزوم حفظ میراث طبیعی و مسائل زیست‌محیطی خود آگاه می‌شوند، در این مورد بر نقش آموزش نیز در تمامی سطوح باید تأکید شود، زیرا آموزش موجب رشد و توسعه فرهنگی خواهد شد و آثار

مثبت خود را به دنبال خواهد داشت، در فرهنگ توسعه نیز هدف این است که میراث فرهنگی و طبیعی آسیبی وارد نشود. از این رو مراقبت از میراث فرهنگی و طبیعی بخش لازمه یک سیاست فرهنگی است و دولت‌ها در این خصوص می‌توانند بسیار کمک کنند و مؤثر واقع شوند. امروزه کنوانسیون میراث جهانی پاسخگوی نیاز جهانی برای ثروت‌های طبیعی و فرهنگی است که به تمامی انسان‌ها تعلق دارد و نه تنها به اختیارات مستقل دولت‌های ملی احترام می‌گذارد، بلکه کشورهای جهان را تشویق می‌کند که امر حفاظت از میراث طبیعی و فرهنگی خود را جدی بگیرند. کنوانسیون میراث جهانی در بالا بردن آگاهی‌های مردمی در سراسر جهان نقش بسیار مؤثری را ایفا می‌کند و برنامه‌های متنوعی را در دستور کار خود قرار داده است که تماماً اهداف توسعه پایدار را به دنبال دارند (مقدسی جهرمی، ۱۳۹۶: ۱۲). در این راستا، امروزه یکی از عوامل جذب‌کننده گردشگران به مقصد مورد بازدید عامل فرهنگ است که در واقع این تفاوت‌ها است که ایجاد انگیزه می‌کند و عزم سفر را در افراد به وجود می‌آورد. در صنعت گردشگری فرهنگ به‌عنوان عامل جذب عمل می‌کند. برای گردشگران و مسافرانی که به شهر یا کشوری مسافرت می‌کنند فعالیت‌ها، رویدادها یا محصولات فرهنگی به‌عنوان نیروی الهام‌بخش درمی‌آید در اینجا شناخت فرهنگ‌ها در ارتباط با صنعت گردشگری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گردشگری، اگرچه یک صنعت است ولی بیشترین تبادلات فرهنگی در آن انجام می‌گیرد و شاید یکی از اهداف توسعه آن در میان بعضی از کشورها ضمن رشد و توسعه اقتصادی به رخ کشیدن فرهنگشان به دیگر جوامع باشد. تمامی روابط ما در زندگی عادی و تعامل ما با دیگران از جمله گردشگران نشأت گرفته از فرهنگ ماست (ورهرامی و حامدی نسب، ۱۳۹۶: ۱۴۲). مهم‌ترین اقدام در این مورد تقویت دیپلماسی فرهنگی برای شناساندن ظرفیت‌های فرهنگی در راستای اقتصادی نیز است.

تأثیر توسعه فرهنگی بر توسعه اقتصادی ایران

در زمینه ریشه و علل اصلی فرآیند توسعه و توسعه‌یافتگی در کشورهای مختلف جهان این نظریات و رویکردها ارائه گردید: ۱. رویکرد تفاوت در منابع خدادادی (داده‌ها) و مواهب طبیعی، ۲. رویکرد تفاوت‌های نژادی، ۳. رویکرد تفاوت‌های ارزشی و فرهنگی، ۴. رویکرد سیاسی و حاکمیت قدرت‌ها، ۵. رویکرد تاریخی، ۶. رویکرد دور باطل. در طول چند دهه اخیر کشورهای مختلف جهان متناسب با شرایط، فرصت‌ها، ساختار حکومتی و فرهنگ اجتماعی خود استراتژی‌های توسعه اقتصادی مختلفی را در پیش گرفتند. این استراتژی‌ها به‌طور کامل قابل‌تفکیک نیستند بلکه طیفی را تشکیل می‌دهند که استراتژی‌های ذیل در آن قرار می‌گیرند (شیرکوند، ۱۳۹۳). کشور ایران به‌عنوان یکی از کشورهای کهن و بزرگ نه تنها دارای تمدن و غنای فرهنگی به سبب تنوع محیط زیست، حضور اقوام و پیشینه تاریخی خود است بلکه امروز نیز در خارج با کشورهای همسایه است که از اقوام مختلف پیشین ایرانی تشکیل شده است. به‌واسطه همان پیشینه تاریخی، کشورهای جدید دارای اشتراکات فرهنگی و تاریخی، نژادی و مذهبی با ایران هستند. از عوامل مهم در افزایش قدرت نرم ایران، عامل ارزش‌های دینی است. تأثیر و نفوذ انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای مسلمان و مسلمانان جهان به حدی است که می‌توان آن را در اوج‌گیری نفوذ و تأثیرگذاری ایران بر افکار عمومی خارجی دانست که حتی برخی کشورهای منطقه، ایران را الگویی قابل قبول در پیشبرد اهداف اسلامی می‌دانند (زهرانی و رجایی، ۱۶:۱۳۹۹). گفتنی است که از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ایران دشمنان سعی داشته‌اند تا با روش‌های مختلف از جمله تحریم اقتصادی، کشور ایران را در تنگنا قرار بدهند. نگاهی به روند کلیه تحریم‌های وضع‌شده از سوی غرب علیه کشورمان می‌توان پنج موج تحریم را شناسایی کرد: تحریم‌های تکنولوژیک، سرمایه‌گذاری و تجهیزات نظامی، محدودسازی نقل و انتقالات مالی، تحریم بانک مرکزی، تحریم‌های فروش نفت و گاز و ممنوعیت مبادلات فلزات گران‌بها و طلا و مسدودسازی وجوه؛ از همین رو،

بحث اقتصاد مقاومتی مطرح شده است (ارسلان بد و بشارت، ۱۳۹۹: ۱۱۵). بر این مبنا ضرورت ایجاد می کرد تا جهت توسعه اقتصادی استفاده از همه ظرفیت های دولتی و مردمی؛ مردمی کردن اقتصاد؛ تحول در شرایط اقتصاد از طریق اجرای سیاست های اصل ۴۴، توانمندسازی بخش خصوصی؛ کاهش وابستگی به نفت؛ جایگزینی درآمدهای نفتی با درآمدهای غیرنفتی؛ بنیان گذاری کارهای اقتصادی بر پایه دانش و تبدیل شدن اقتصاد دانش بنیان به وجه غالب اقتصاد کشور؛ حمایت از تولید ملی؛ فعال کردن واحدهای تولیدی کوچک و متوسط؛ تعادل در مصرف و مدیریت مصرف با جایگزینی و ترجیح تولیدات داخلی با کالاهای خارجی؛ مبارزه با مفاسد اقتصادی؛ مدیریت درست منابع ارزی؛ مدیریت مصرف و فرهنگ سازی برای جلوگیری از اسراف؛ استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات؛ حرکت بر اساس برنامه و پرهیز از تصمیم های خلق الساعه و تغییر مقررات؛ صیانت از وحدت و همبستگی در دستور کار قرار گیرد. اما آنچه مهم به نظر می رسد این است که بدون توسعه فرهنگی نمی توان به توسعه اقتصادی دست یافت. از این لحاظ باید توسعه فرهنگی با شاخص های مطرح شده بتواند منجر به توسعه اقتصادی منجر گردد. بدین ترتیب می توان به مهم ترین الگوهای فرهنگی داخلی مرتبط با اقتصاد چنین اشاره کرد:

- فرهنگ اصلاح الگوی مصرف یا فرهنگ مصرفی

- کاهش آمار بیکاری و خشکاندن ریشه های فقر و آسیب های اجتماعی ناشی از بیکاری در جامعه

- تداوم سیاست های مربوط به خودکفایی کالاهای اساسی مانند گندم، روغن، شکر یا حداقل و فرهنگ خودکفایی به ویژه تبدیل تهدیدها به فرصت ها در روند تأمین کالاها به محض اعمال تحریم

- کاهش اتکا به نفت از طریق کاهش واردات و توسعه فرهنگ رغبت افزایش صادرات غیرنفتی

- برقراری ارتباطات خاص اقتصادی با برخی از کشورهای دوست، گسترش ارتباطات

- اقتصادی به‌ویژه کشورهایی که از نظر فرهنگی زمینه همکاری ایجاد می‌کنند
- شکل‌گیری روحیه جهاد اقتصادی، تولید ملی و حمایت از کالای ایرانی.
- ترویج فرهنگ خودداری از اسراف و ضایع کردن کالاها و ذخیره‌سازی کالاهای اساسی
- توجه به نخبگان
- تلاش برای ترغیب و تقویت بخش خصوصی و ایجاد رقابت سالم و کارساز برای دست یافتن به توسعه ملی
- علاوه بر موارد فوق همان‌طور که اشاره شد دیپلماسی فرهنگی دارای اهمیت بسیار است عواملی که می‌تواند در پیشبرد دیپلماسی فرهنگی ایران مؤثر باشند عبارت‌اند از: ۱- توجه به پیشینه غنی، تاریخی و تمدنی و فرهنگی ۲- زبان و ادبیات، آثار فرهنگی و مکتوب مشاهیر، نویسندگان، شعرا و هنرمندان ۳- دستاوردهای فرهنگی و علمی مانند، جوایز بین‌المللی، ترجمه و چاپ آثار ادبی و فرهنگی و انتشارات ۴- تربیت و آموزش کارشناسان خبره در امور دیپلماسی فرهنگی و ارتباطات عمومی ۵- نخبگان، فرهیختگان فرهنگی و علمی در عرصه دیپلماسی فرهنگی و روابط بین‌الملل ۶- ارتباط مستمر با مراکز علمی دانشگاهی و حوزوی ۷- ضریب بالای استفاده از فن‌آوری جدید دنیا مانند شبکه‌های اینترنت، ماهواره و شبکه‌های جهانی رادیو و تلویزیون (کاوه پیشقدم و میرزا، ۱۳۹۹: ۴۱). برای پیوند زدن موارد فوق به توسعه اقتصادی می‌توان در سطح منطقه‌ای و جهانی این پیشنهادات را ارائه داد:
- ۱- وجود ظرفیت‌های گردشگری؛ ۲- ظرفیت پذیرش دانشجویان خارجی، ۳- استفاده از ظرفیت کالاهای فرهنگی؛ ۴- استفاده از ظرفیت صنایع دستی؛ ۵- بهره‌برداری از ظرفیت‌های مرزی؛ ۶- توجه به ظرفیت شهرهای مذهبی؛

نتیجه گیری

با توجه به مجموع نظریات اندیشمندان مختلف در مورد مفهوم توسعه فرهنگی می‌توانیم از دو بعد کمی و کیفی به تعریف این مفهوم بپردازیم. در تعریف کمی، توسعه فرهنگی به معنای افزایش امکانات و تسهیلات فرهنگی جهت برخوردار نمودن یکسان همه افراد جامعه از این امکانات است؛ اما در تعریف کیفی، توسعه فرهنگی شامل رشد و تقویت فکری و روحی و روانی اعضای جامعه با استفاده بهینه از امکانات و افزایش مشارکت افراد جامعه در فرآیند تصمیم‌گیری است. نکته‌ی مهم این است که توسعه فرهنگی به معنای توجه به سنت‌ها، ارج نهادن به خرده‌فرهنگ‌ها و ارتقای ظرفیت فرهنگی برای غنای بیشتر است. بر این اساس توسعه فرهنگی موجب بالندگی هر چه بیشتر جامعه می‌شود. در این مقاله، سعی شد با مرور کوتاهی بر مفاهیم فرهنگ، توسعه، توسعه‌ی فرهنگی، به این نکته پرداخته شود که توسعه‌ی فرهنگی چه تأثیری می‌تواند بر توسعه اقتصادی و همچنین برای مطالعه موردی بر کشور ایران بگذارد. در این بررسی، آنچه به دست آمد این نکته است که توسعه‌ی فرهنگی بایستی با ملاک‌ها و شاخص‌های بومی سنجیده شود و این شاخص‌های بومی را می‌توان از فرهنگ غنی اسلامی و ایرانی استحصال نمود. با این وجود، نباید از واقعیت‌های جامعه‌ی ایران و چالش‌هایی که در این راستا با آن مواجه است چشم‌پوشی کرد. جامعه‌ی ایران در روند توسعه‌ی فرهنگی با دو ریکرد مواجه است:

الف) رویکرد درون فرهنگی و ارتقای فرهنگ خودی است

ب) بهره برداری از ظرفیت‌هایی خارجی و توسعه فرهنگی با استفاده از ابزارهایی مثل دیپلماسی فرهنگی است.

منابع

- ارسلان بد، محمدرضا؛ بشارت، احسان (۱۳۹۹)، بررسی سیاست‌های توسعه اقتصادی کشور کره جنوبی و استفاده از آن برای برآورد الگوی تجربی رشد اقتصادی در کشور ایران، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال دوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۹، صص ۱۳۲-۱۰۴
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا؛ (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی توسعه، انتشارات کیهان استوتزل، ژان؛ (۲۰۱۸)، روانشناسی اجتماعی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اسدی، علی؛ (۱۳۹۰)، مدیریت استراتژیک از دیدگاه اجتماعی، نشریه مدیریت دولتی، شماره ۱۴. بیک محمدی حسن کریمی قطب‌آبادی فضل اله شکوهی شاپور. (۱۳۹۶). تحلیل شاخص‌های توسعه فرهنگی (مطالعه موردی: شهرستان‌های استان فارس). مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی ۱۲(۱) ۵۳-۶۸.
- توسلی، غلام عباس؛ (۱۳۹۲)، جامعیت مفهوم توسعه، مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی توسعه، جلد دوم، انتشارات سمت.
- دینی، علی؛ (۱۳۹۰)، تفاوت کیفی مفهوم رشد و توسعه، کتاب توسعه، شماره اول. رنجبر، محمود و ستوده، هدایت‌ا...؛ (۱۳۹۰)، مردم‌شناسی: با تکیه بر فرهنگ مردم ایران، تهران: دانش‌آفرینی.
- زهرانی، مصطفی؛ رجایی، علیرضا (۱۳۹۹)، فرصت‌های همکاری بین‌المللی با رویکرد خواهر شهرها، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال دوم، شماره ۳، بهار ۱۳۹۹، صص ۲۴-۱
- سلیمی، حسین؛ (۱۳۸۹)، فرهنگ‌گرایی، جهانی‌شدن و حقوق بشر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- صادقی، سید کمال؛ گرشاسبی، فخر، سعید؛ رنج پور، رضا؛ متفکر آزاد، محمدعلی؛ اسد زاده، احمد (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر تولید ناخالص داخلی در استان‌های ایران، فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال ششم، شماره ۲۳، پاییز ۱۳۹۶، صص ۲۵۴-۲۳۱.
- صالحی امیری، سید رضا؛ (۱۳۹۶)، مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، تهران: ققنوس.

- عبداللهی، محمد؛ (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی و توسعه اجتماعی در ایران، فصلنامه رهیافت، شماره ۶.
- عظیمی، حسین؛ (۱۳۹۱)، مدارهای توسعه و توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران: نشر نی.
- قرایی مقدم، امان‌اله؛ (۱۳۹۲)، انسان‌شناسی فرهنگی، تهران: انتشارات ابجد.
- کاتک، کنرادفیلیپ؛ (۱۳۹۶)، انسان‌شناسی: کشف تفاوت‌های انسانی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- کاوه پیشقدم، محمد کاظم؛ میرزا، هدی (۱۳۹۹)، فصلنامه دانشنامه علوم سیاسی، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۹۹، صص ۴۸-۱۹.
- گیدنز، آنتونی؛ (۱۳۹۴)، جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مقدسی جهرمی، زینب (۱۳۹۶)، اهمیت و چگونگی حفاظت و نگهداری از آثار باستانی و ابنیه تاریخی، کنفرانس پژوهش‌های معماری و شهرسازی اسلامی و تاریخی ایران.
- ورهرامی، ویدا؛ حامدی نسب، مریم (۱۳۹۶)، ورهرامی و حامدی نسب، ۱۳۹:۱۴۲، نشریه میراث و گردشگری، فروردین - خرداد، دوره ۲، شماره ۵، صص ۱۶۶-۱۳۹.
- وثوقی منصور آرام هاشم سلمانی گودرز. (۱۳۹۱). بررسی موانع ساختاری در جهت شکل‌گیری و ارتقاء توسعه فرهنگی در ایران؛ چالش‌ها و راهکارها. مطالعات توسعه اجتماعی ایران ۴(۳) ۸۱-۹۶.

Helamy E. (2018). Toward s Integration of sustainability in to Tourism planning in Developing countries: Egypt as a case study. *Current Issues in Tourism* 7 (3) 428-443.

Junus S. (2015). The com of urban. *Network sin the caspian sea region* 41st ISocaRP congress.

Mccann E. J. (2019). The cultural politics of local Economic Development: Meaning- making place –making and the urban policy process *Geoforum* 1 (33) 385-398.

Rosentein carole. (2011). Cultural development and city neighborhoods *city culture and society* 5 (9) 15-29.

Streeten p. (2019). *Economic Development in the third world*. Boston university.